دلیل برگزاری این همه کنسرت در زاهدان چیست؟

بی توجهی مسئولان به مقوله فرهنگ و هنر بومی استان همچنان ادامه دارد و به جای آن تقریبا هر ماه شاهد یک کنسرت در زاهدان هستیم .

به گزارش زاهدان‌نیوز، یکی از مواردی که پس از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید در شهر زاهدان شدیدا رواج پیدا کرده است برگزاری کنسرتهایی است که علاوه بر اینکه عمدتا از لحاظ ارزش هنری درسطح پایینی قرار دارند، نکته دیگری که در آنها جلب توجه می کند نوع حضور افراد در این محافل است و متاسفانه مسئولین استان خصوصا مسئولان فرهنگی نیز هیچ گونه توجه ای بر این موضوع ندارند.

واقعا تاثیر برگزاری این کنسرت ها در شهر چیست؟ اگر به یکی از این کنسرت ها برویم شاهد حرکات و اتفاقاتی هستیم که قطعا در شان مردم فهیم این استان نیست به عنوان نمونه اگر فقط به نوع پوشش افراد شرکت کننده در این کنسرت ها دقت بیشتری شود قطعا به تاثیر مخرب آن بر فرهنگ خانواده ها پی می بریم.

نکته ی دیگری که پرداختن به آن در این مطلب خالی از لطف نخواهد بود، بی توجهی به موسیقی محلی استان است،آنچه که متاسفانه این روزها در استان سیستان و بلوچستان بسیار دیده می شود بی توجهی به هنرمندان بومی استان است خصوصا هنرمندان عرصه موسیقی، که از جمله می توان به گلایه های استاد شیر محمد اسپندار تنها دونلی نواز ایران که از تابعیت فرانسه گذشته است اشاره نمود .

استاد شیر محمد اسپندار در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: من خجالت می کشم که میزان مقرری دریافتی خودم را بگویم زیرا از ۲۰۰ هزار تومان هم کمتر است.

وی ادامه داد: من زاده هنر هستم و پول برای من کمترین ارزش را دارد و هم اکنون نیز کشاورزی را که شغل پدری ام بوده است، پیشه کرده ام.

وی تصریح کرد: چند سال قبل دولت فرانسه از من خواست تا تابع آن کشور شوم و حاضر شدند تا علاوه بر من، تمام اعضا خانواده ام را نیز مشغول به کار کنند اما من با اقتدار تمام گفتم که ذره ای از خاک میهن عزیزم را با هیچ چیز عوض نمی کنم، و این یک حقیقت است که خاک ایران را به ثروت جهان نمی دهم.

اما متاسفانه بی توجهی مسئولان به مقوله فرهنگ و هنر بومی استان همچنان ادامه دارد و به جای آن تقریبا هر ماه شاهد برگزاری یک کنسرت در زاهدان هستیم که این موضوع خاطر هنرمندان و هنردوستان را در این استان مکدر نموده است.

حالا سوال اصلی از مسئولین استان این جاست که آیا به همین اندازه که در برگزاری کنسرت های رنگ و وارنگ اصرار و توجه دارند به موسیقی اصیل و سنتی استان نیز توجهی دارند؟

سوال دیگر این است که آیا به همان میزان که در رابطه با کنسرت های پاپ در سطح شهر هزینه صورت می گیرد و از هفته ها پیش بنرهای آن در سطح شهر نصب می شود به همان میزان در رابطه با ترویج فرهنگ و موسیقی بومی استان نیز هزینه می شود؟

زاهدان‌نیوز پیش از این نیز به این موضوع پرداخته بود و اظهار امیدواری کرده بود که با تغییر مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان شاهد تغییر در این رویه باشیم و حداقل قبل از صدور مجوز برای برگزاری کنسرت به همه جوانب آن توجه گردد.

گفت‌وگو با مصطفی سخنگو، پژوهشگر و فعال فرهنگی استان درباره رابطه تکنولوژی :

تکنولوژی امری فراتر از ابزار

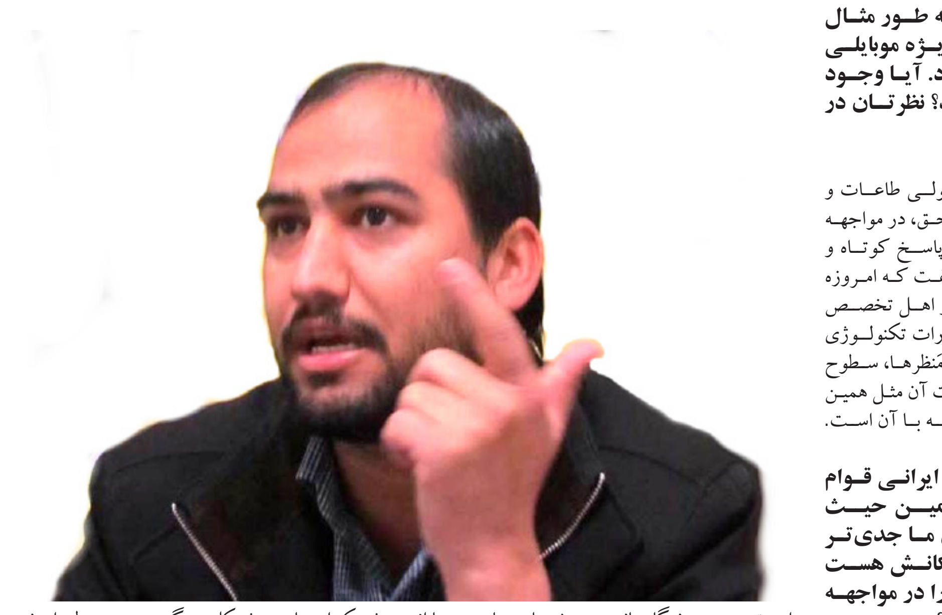

۱. با سلام خدمت شما آقای سخنگو. امروزه رشد تکنولوژی در ابعاد گوناگون باعث شده استاز بسیاری خدمات آن بهره‌برداری شود و این بهره‌برداری به تبع در بخش‌هایی دچار آسیب و گاهاً تهدید شده است، به طور مثال در شبکه‌های اجتماعی به ویژه موبایلی اشاعه فحشا صورت می گیرد. آیا وجود این آسیب‌ها را می‌پذیرید؟ نظرتان در این باره چیست؟

ضمن عرض سلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات شما در پیشگاه حضرت حق، در مواجهه با سؤال شما می‌شود دو نوع پاسخ کوتاه و بلند داد. در پاسخی کوتاه باید گفت که امروزه حداقل در لایه نخبگانی جامعه و اهل تخصص آن کسی منکر آسیب‌های ظهورات تکنولوژی نیست. اما مسئله و محل نزاع در مَنظرها، سطوح و ابعاد تحلیل تکنولوژی و ظهورات آن مثل همین شبکه‌های اجتماعی و نحوه مواجهه با آن است.

۲. با توجه به اینکه هویت ایرانی قوام آن به دین است و از همین حیث مسئله‌مندی تکنولوژی برای ما جدی‌تر شکل گرفته است، اگر امکانش هست دغدغه‌های عقلانیت دینی را در مواجهه با تکنولوژی بیان بفرمایید؟

به عقیده حقیر تنها زمانیکه تکنولوژی به صورت بنیادین و حِکمی مورد پرسش قرار بگیرد (و در لایه نخبگانی و عمومی جامعه تبدیل به گفتمان شود) ما خواهیم توانست مواجهه کم‌آسیب و سیاست‌گذاری‌های حداکثر درستی در مواجهه با ظهورات تکنولوژی داشته باشیم. در توضیح سخن خود باید بگویم جدای از اندیشه ورزی‌های پراکنده متفکران ایرانی ما در کلان کشور، چقدر مسئله‌مندی تکنولوژی در میان نخبگان استان به بحث و گفتگو گذاشته شده است؟ آیا اصلاً ما به مقام خودآگاهی و مسئله‌مندی در تکنولوژی که جزئی از حیات ما هست، رسیده‌ایم؟ پرسش‌های بنیادین درباره تکنولوژی را چه کسی باید طرح و ایده‌پردازی کند؟ سپس گفتمان‌سازی کند و در ساده سازی آن برای فرهنگ عمومی کوشا باشد؟ آنچه روشن است چنین مسئله‌هایی در سطح نخبگانی استان اساساً تبدیل به یک مسئله خودآگاه و عمومی نشده است. ما چقدر از ماهیت تکنولوژی سؤال کرده‌ایم؟ اساساً تکنیک در جهان مدرن چیست؟ بر ریشه‌های کدام هستی‌شناسی استوار است؟ نسبت تکنولوژی با اراده انسان در قبول یا رد آن چیست؟ ورود آن در فرهنگ انسان دینی چه مناسباتی را با خود به همراه می‌آورد؟ رسانه به عنوان یکی از ظهورات تکنولوژی چقدر مورد پرسش قرار گرفته است؟ فقه رسانه و تحقق آن را آیا جدی گرفته‌ایم؟ و ده‌ها سؤال دیگر که مجال بیان آنها نیست. نگاه و رویکرد غالب عموم مردم و حتی نخبگان ما چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه درباره تکنولوژی ابزاری است. یعنی تکنولوژی را به مثابه ابزاری می‌فهمند که هم برای کار خوب می‌توان آن را به کار برد و هم می‌توان آن را برای کار بد به کار برد. این یک نگاه تقلیل یافته از تکنولوژی است و همین نگاه مانع پرسش‌های بنیادین ما از تکنولوژی شده است. این در حالی است که در میان اندیشمندان غربی مسئله‌مندی تکنولوژی دیروقتی است که اتفاق افتاده و اندیشه‌ورزی‌های بسیاری صورت گرفته است. عقلانیت دینی ما تا این پرسش‌ها را خودآگاه مطرح نکند و از طریق گفتگو به معنای عامش اذهان جامعه را متورم نکند، آسیب‌های تکنولوژی و مشخصاً رسانه که مبتلابه همه است حداکثری خواهد بود.

۳. ما در نگاه ابزاری به تکنولوژی و مشخصاً رسانه و شبکه های اجتماعی که موضوع بحث ما هست، از چه غفلت می کنیم ؟

پاسخ به این سؤال نیاز به بیان مقدماتی دارد که تفصیلی است و از بیان آن در این گفتگوی کوتاه صرف نظر می‌کنم. اما به صورت مصداقی چند اقتضاء درونی رسانه و شبکه‌های اجتماعی را که مبتلابه آن هستیم بیان می‌کنم تا بدانیم که باید فراتر از یک ابزار صِرف و منفعل به تکنولوژی و مشخصاً موضوع بحث نگاه کنیم؟ در خود مفهوم شبکه اجتماعی اگر تأمل کنیم، بیانگر فضایی مجازی است که امکان دوست‌یابی و گپ گروهی‌را فراهم می‌کند. به دیگر سخن از مرحله اندیشه تا ساخت نرم‌افزار آنچه هدف بوده است فراهم آوردن این امکان بوده است و این فراهم آوردن با جزئیات خودش مبتنی بر آن اندیشه و عقلانیت بوده است. حال اگر لحظه ای به مفهوم آزادی در عقلانیت مدرن پی ببریم و بی‌حدی آن را تا مرز آزار به دیگران فهم کنیم، به خوبی می‌توانیم ظهور این معنای از آزادی را در فیس بوک و در فُرم و ساخت نرم‌افزار ببینیم. یعنی شما هیچ فیلترینگ و تقسیم بندی در فرم نرم‌افزار نسبت به موضوعات غیر اخلاقی و مستهجن ندارید. این سخن غیر از امکاناتی است که با اختیار و انتخاب شما در شبکه اجتماعی شکل می‌گیرد. یعنی طراح نرم افزار چه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه (بر اساس آنکه در افق تاریخی‌فرهنگی غرب زیست می‌کند) مفهوم آزادی را حتی در ساخت جزئیات و امکاناتنرم افزار رعایت کرده است و حدود اختیارات شما نیز در این معنای از آزادی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک امکان بروز و ظهور دارد. حال اینکه آزادی در عقلانیت دینی چیست بحث مفصل دیگری هست، ولی حداقل باید گفت که آزادی در عقلانیت دینی با رفتار ولنگار جنسی نسبتی ندارد. زمانیکه به این پرسش‌های بنیادین نمی‌پردازیم و سطحی با تکنولوژی برخورد می‌کنیم، نتیجه‌اش آن می‌شود که سیر ظهور اصول و فروع یک عقلانیت را در مصادیق جزئی آن نمی‌توانیم ببینیم و درک کنیم و آنگاه در اتاق‌های گپ ایرانی مشاهده می‌کنیم که در صفحه اول آنها با جملاتی ضمیمه (و نه آنکه در فرم و ساخت نرم‌افزار دست برده و استحاله کرده باشند) به مخاطب هشدار می‌دهند که خطوط قرمز اخلاقی را رعایت کنند و الا مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد!. پس باید پذیرفت که تکنولوژی فعال است و هنجارزایی می‌کند و یک ابزار صِرف نیست. به راستی دوست‌یابی بی‌حد و مرز در کدام عقلانیت معنا پیدا می‌کند؟ وآیا مفهوم بی‌حد و مرز دوست اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به انتخاب ما شکل می‌گیرد؟ و یا دوست اجتماعی غایت و هدفی بوده است که فرم و محتوای نرم‌افزار در آن جهت فعلیت یافته و محقق شده است؟ حال باید پرسید دوست در نظام دینی چه معنایی دارد؟ حدود آن چیست؟ اقتضائات آن چیست؟شما باید قبل از پذیرش دوست اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی این گزاره ارزشی پنهان نرم افزار که (روابط آزاد خوب است) را پذیرفته باشید و یا غلبه قدرت دورنی تکنولوژی منجر به آن می شود که در یک فرایند و به صورت ناخودآگاه روابط مقید و متعهد را در شما حساسیت‌زدایی و استحاله کند. بلوغ فکری جامعه در این موضوع به تلاش اندیشمندان آن جامعه بستگی دارد. ما اگر تکنولوژی را مورد پرسش قرار ندهیم و از اقتضائات درونی آن آگاه نشویم و به استحاله آن فکر نکنیم، تنها در تاریکی راه خواهیم رفت و تمام زمین‌خوردن‌ها را باید به جان بخریم تا شاید از سر درد و اضطرار به خودآگاهی برسیم.

٤. نقش نهادهای فرهنگی و نظارتی را در رسیدن به این خودآگاهی چگونه ارزیابی می‌کنید و پیشنهاد شما در این راستا چیست؟

ابتدا باید بپذیریم چه بخواهیم و چه نخواهیم تکنولوژی در سیر توسعه‌یافتگی موجود بیش از پیش در جامعه ما بسط پیدا خواهد کرد و این امر را سیاسی نباید تنها فهم کرد. بلکه با علم به اینکه در این فرایند جبهه مقابل انقلاب اسلامی پروژه‌های سنگینی را علیه فرهنگ دینی ایران طرح ریزی و عملیاتی کرده است، باید از دریچه فرهنگ و فرایند ورود مدرنیته به ایران به تحلیل آن پرداخت. با پذیرش این امر آنگاه نحوه مواجهه و اولویت‌های کاری نهادهای فرهنگی و نظارتی متفاوت خواهد بود. بنده معتقدم با این رویکرد اصالت را باید به کارهای ایجابی و تولیدی داد تا آنکه بخواهیم به صورت سلبی و تنها با حذف، سانسور و فیلترینگ به مبارزه برخیزیم؛ زیرا تکنولوژی در جهان مدرن جزء ذاتیات آن است و نمی‌توان دست رد به سینه آن زد. وقتی اصالت را به کارهای ایجابی می‌دهید به معنای نفی کارهای سلبی نیست بلکه تنها کانون و جهت طرح‌ها و کارهای شما عوض می‌شود. برای مثال کارهای سلبی مانند فیلترینگ در فضای رسانه و شبکه‌های اجتماعی کارکرد عمده آن خریدن زمان برای انجام کارهای ایجابی باید باشد نه آنکه صِرف حذف، سانسور و فیلترینگ هدف و غایت باَشد. هنوز مسئولین ما به این نتیجه نرسیده‌اند که سواد رسانه‌ای جزء سرفصل‌های سیستم آموزشی ما بشود یا خیر؟ کتبی که در این زمینه نوشته شده است به شدت اندک است و همان چندتایی هم که موجود می‌باشد اکثراً ترجمه است. بی‌شک سواد رسانه‌ای اگر از منظر عقلانیت دینی و تراث علمی دینی ما نوشته شود چیزی متفاوت از آنچه موجود است خواهد بود. جنگ نرم ما علیه دشمن چقدر بر مبانی عقلانیت دینی ما استوار است؟به طور مثال آیا ترور شخصیت،برچسب‌زدن، پاره حقیقت گویی، اغواگری، دروغ گویی، اغراق و ... که جزء روش های جبهه مقابل در جنگ نرم رسانه‌ای است، نسبتی با عقلانیت دینی دارد؟ و آیا ما هم مجوز استفاده از این روش‌ها را علیه دشمن داریم؟ اینها را باید در فقه رسانه به بحث گذاشت و از فقیه پاسخ گرفت. اما چقدر بر روی این مسائل کارهای ایجابی و تولیدی انجام شده است؟ما باید گفتگو علمی درباره مسئله‌های ملی و منطقه‌ای را جدی بگیریم و به دور از سیاست زدگی مَوّاج جامعه به فهم روشمند مسائل کنیم. تنها آنگاه خواهیم توانست به اهل سیاست که قدرت را هدایت می‌کنند مشاوره صحیحی در سیاستگذاری بدهیم.

روزنامه جوان

با برگزاری مراسم تودیع و معارفه؛ حسین مسگرانی رسما مدیرکل ارشاد سیستان و بلوچستان شد

با برگزاری مراسم تودیع و معارفه مدیرکل ارشاد استان سیستان و بلوچستان و با حضور معاون حقوقی وامور‌استانها و مدیر کل امور استان های وزارت ارشاد، «حسین مسگرانی» رسما به عنوان مدیرکل جدید ارشاد این استان معرفی شد.

مراسم تودیع و معارفه مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان، پیش از ظهر امروز و با حضور برخی از معاونین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین برخی از مسئولین استانی، در تالار اشراق اداره کل ارشاد سیستان و بلوچستان برگزار شد.

در این مراسم ضمن تقدیر از حجت الاسلام و المسلمین «عباس دانشی» مدیرکل سابق ارشاد استان سیستان و بلوچستان، «حسین مسگرانی» که پیش از این معاون فرهنگی و مطبوعاتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی بود به عنوان مدیر کل جدید ارشاد استان سیستان و بلوچستان معرفی شد.

حسین نوش آبادی در سخنانی در این مراسم اظهار داشت: با توجه به اهمیت بخش فرهنگی در رشد و توسعه کشور و تاکید و سیاست رهبر معظم انقلاب به این حوزه ۶ بند از سیاست های کلان کشور در برنامه ششم توسعه به این حوزه اختصاص دارد.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: در برنامه ششم توسعه که از سال آینده شروع خواهد شد در ۶بند آن ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی، فرهنگ سازی درباره الگوی مصرف و سیاست های اقتصاد مقاومتی، اجرای نقشه مهندسی فرهنگی و لزوم پیوست فرهنگی به تمامی طرح های عمرانی کشور مدنظر خواهد بود.

وی ادامه داد: همچنین حمایت های مالی و معنوی از هنرمندان، نو آوران و تولید کنندگان آثار فرهنگی و حضور موثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضاهای مجازی به منظور ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی ازدیگر مسائل مورد تاکید در برنامه ششم توسعه محسوب می شود.

وی تصریح کرد: با توجه به اهمیت بخش فرهنگی باید تمام سیاست ها بر اساس فرهنگ ایرانی اسلامی باشد بر این اساس توسعه فرهنگی با شعار عدالت فرهنگی در صدر برنامه های این وزارتخانه قرار دارد.

معاون حقوقی، پارلمانی و امور استان ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: امسال با نامگذاری مناسب رهبر معظم انقلاب سال همدلی و همزبانی دولت و ملت نامگذاری شد که این انتخاب بسیار هوشمندانه رمز موفقیت و پیشرفت مادی و معنوی کشور است.

نوش آبادی افزود: در راستای این مفهوم و فرمایش رهبر معظم انقلاب اصحاب فرهنگ و هنر جامعه یک بعد دیگر از هبستگی هستند که می توانند در تقویت این ارتباط نقش موثر و ماندگاری به وجود آورند.

وی ادامه داد: به گفته رییس جمهور اصحاب فرهنگ و هنر ضلع سوم رشد و ترقی کشور محسوب می شوند.

وی اظهار داشت: سیستان و بلوچستان از استعدادهای فراوان فرهنگی، هنری و دینی برخوردار است و مردم فرهیخته آن نیز در طول تاریخ و قرون گذشته با همبستگی ملی و وحدت دینی و اسلامی درکنار هم زندگی کرده اند.

نوش آبادی بیان کرد: خوشبختانه درهیچ برهه از زمان نغمه های تفرقه انگیز دشمنان موجب جدایی دلها و فرهنگ اصیل دینی و اسلامی این مردم نشده و نخواهد شد.

وی گفت: سیستان و بلوچستان با داشتن قابلیت ها و ظرفیت های فراوان می تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی و فرهنگی کشور ایفا کند.

معاون حقوقی، پارلمانی و امور استان ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: کاوش های بدست آمده از این استان از جمله نخستین جراحی مغز انسان و ساخت چشم مصنوعی، نخستین انیمیشن دنیا، وجود حکومت های مقتدر ایرانی از جمله یعقوب لیث صفاری و نخستین شاعر زن کشور در این خطه و تدوین نخستین بیمه تامین اجتماعی در این سرزمین اساطیری همه و همه گویای ظرفیت های بالای این استان است.

نوش آبادی افزود: وجود نخستین آسیاب بادی جهان (آس باد) در سیستان، وجود بزرگترین شهر قبل از میلاد مسیح و بسیاری دیگر از آثار تاریخی و فرهیختگان ادب و هنر کشور در این خطه نشان از قابلیت های فراوان این استان دارد که باید با هم افزایی و وحدت بیش از پیش مسوولان و علما این پیشینه احیا شود.

وی بیان کرد: در گذشته سفره فرهنگی و رویکرد سیستان و بلوچستان همواره بر خطاهای امنیتی آن غلبه داشته اما از زمان توطئه دشمنان و حسادت کینه توزان ملت و نظام در اختلاف بین مذاهب و اقوام متاسفانه فضای امنیتی جایگزین فضای فرهنگی و دینی منطقه شده است.

وی ادامه داد: خوشبختانه این امر با نگاهها و اندیشه بسیار مطلوب علما قابل جبران است و هم اینک این استان آینه تمام نمای وحدت و همبستگی کشور بحساب می آید.

وی خاطر نشان کرد: همه استان های کشور جزو اجزای به هم پیوسته نظام محسوب می شوند که به منافع ملی و مصالح نظام و اقتدار کشور می اندیشند.

معاون امنیتی و انتظامی استاندار سیستان و بلوچستان نیز در این مراسم با تبریک روز خبرنگار به اصحاب رسانه گفت: این استان به عنوان جوانترین استان کشور ۴۶ درصد جمعیت آن در سنین ۲۹ تا ۳۹ سال قرار دارند که ازاین جمعیت ۳۶ درصد زیر ۱۶ سال بسر می برند.

علی اصغر میرشکاری اظهار داشت: سیستان و بلوچستان یک استان اسلامی ملی است و بسیاری از آثارهنری هنرمندان آن نیز از جمله موسیقی بلوچی و سیستانی تا شبه قاره هند و بسیاری از کشورها امتداد دارد.

وی اظهار داشت: از آنجایی که در این استان رویکردهای اسلامی و وحدت مدنظر است ارشاد اسلامی دو وظیفه برعهده دارد که نخست ایجاد بستر مناسب فعالیت ها فرهنگی و اجتماعی در جامعه نظام جمهوری اسلامی و نظارت بر آن و دوم آماده کردن سیاست آتی نظام است.

وی گفت: استاندار سیستان و بلوچستان امسال را سال فرهنگی و اجتماعی در استان معرفی و تاکنون وزرای مختلفی را در این حوزه به استان دعوت کردند که امیدواریم با اقدامات صورت گرفته شاهد رشد بیش از پیش این حوزه در استان باشیم.

وی شادابی را یکی از مهمترین مسائل و نیازهای مردم استان عنوان کرد و افزود: متاسفانه همواره کوچکترین خبر و حوادث مرزی و امنیتی از سوی رسانه های ملی و سراسری بزرگنمایی می شود که این امر سبب تشویش اذهان عمومی شده و چهره استان را مخدوش می کند در حالی که با توجه به مرزی بودن این استان برخی اتفاقات اجتناب ناپذیر است با این وجود امنیت کنونی نه تنها با گذشته قابل قیاس نیست بلکه از بسیاری استانها بهتر است بطوریکه از نظر امنیت در رتبه ۲۱ کشور قرار دارد.

وی ادامه داد: اگر ما دراستان به مسائل فرهنگی و نشاط مردم بپردازیم می توانیم انرژی ها و پتانسیل های سرشار استان را به ظهور و بروز برسانیم و استانی پر شور و نشاط داشته باشیم.

وی خواستان راه اندازی چاپخانه در استان به عنوان مهمترین نیاز رسانه های ارتباط جمعی شد.

غرب‌شناسی نوعی خودشناسی است

متن پیش رو خلاصه‌ای از جزوهٔ « راز درماندگی » که درس‌گفتاری از آقای « دکتر حسن عباسی » در باب نگاه لااله الا اللهی به تولید علم دینی در برابر غرب است ؛ این درس‌گفتار حاصل سلسله جلسات سطح یک یازدهمین دورهٔ آموزشی تربیتی «والعصر» می باشد که در تابستان ۱۳۸۹ برگزار شده است؛ و به همت موسسه علمی فرهنگی سدید، پس از پیاده سازی و ویرایش در اختیار علاقه‌مندان قرار می گیرد.

ابتدا باید این نکته را تذکر دهیم که ما معمولاً خودمان را بعد از شناخت دشمن، بررسی می‌کنیم. ابتدا دشمن را می‌بینیم و کارها و فعالیت‌هایش را رصد می‌کنیم، سپس نسبت خودمان را با دشمن مشخص کرده و موقعیت خود را می‌شناسیم. این یک اشکال است و در واقع در این نوع نگاه، حتماً باید یک دشمنی، تهدیدی چیزی باشد تا ما فعالیت کنیم و به تبع آن حرکت کنیم. این انفعال است و امیدواریم این بحث‌های غرب‌شناسی عامل این انفعال نگردد. کنش ابتدایی باید از ما باشد.

برای بعضی‌ها دشمن‌شناسی، مقدار کم آن کفایت می‌کند؛ از آن به بعد می‌توانند بحث ایجابی کنند چون دشمن‌شناسی بحث سَلبی و بحث نفی است. البته ما غرب را نمی‌شناسیم که آن را نفی کنیم؛ یعنی ما غرب‌ستیز صرف نیستیم کما این‌که ما غرب-ستا هم نیستیم.

غرب‌شناسی نوعی خودشناسی است زیرا قسمتی از وجود ما غرب است؛ یعنی نفسانیات ما. ما چه بخواهیم غرب را بستاییم و چه بخواهیم آن را نفی کنیم، باید آن را بشناسیم. پس شناخت هر چیز، مقدم بر نفی یا اثبات آن است.

دین ما اساساً از نفی شروع می‌شود یعنی لااله مقدم بر الا الله است. حضرت ابراهیم با بت‌پرستی ظاهری مبارزه کرد و در واقع تئوری شیطان را از بین برد اما دوباره شیطان هزار سال پیش، هنگام ظهور اسلام موفق شده بود که بت عینی را خدای مردم قرار دهد، البته این بار به این صورت که بت‌ها را در کعبه قرار داد. این حیلهٔ شیطان بود که مردم را فریب دهد.

امروز نیز این بت عینی در اکثر کشورهای غربی وجود دارد؛ مجسمهٔ ابلیسک که در میادین شهرهای غربی دیده می‌شود، بت شیطان‌پرستی است. تا جایی که ما اطلاع داریم، تمام مراکز و تمام شهرهای اصلی در خود غرب و حتی آمریکای لاتین و در آرژانتین، حتی در آسیای میانه در کشور قزاقستان و در ترکیه در شهر استانبول هم اُبلیسک وجود دارد.

این اُبلیسک‌ها را دو، سه جا استفاده می‌کنند. یکی وسط میادینشان، یکی هم در قبرستان‌هایشان، اُبلیسک‌های کوتاه که بالای قبرها می‌گذارند. ابلیسک به یونانی یعنی ابلیس. و در مکه هم همان‌جایی که به شیطان سنگ می‌زنند، ابتدا سه عدد ستون ابلیسک بود که بعد با ظرافت کامل، با همکاری صهیونیست‌ها آن را از بین بردند و به جای آن دیوار زدند.

این مجسمه‌ها در میادین شهرها است و مردم دور آن طواف می‌کنند و در واقع جایگاه کعبه را برای آن‌ها دارد. اساساً شیطان سعی می‌کند شناخته نشود. بحث ما در خداشناسی این است که خدا را بشناسیم، بپرستیم. در مقولهٔ شیطان، بحث این است که من را نشناسید و بپرستید.

جبهه و جناح باطل، همیشه اصرار دارد که در خفا بماند و شناخته نشود. هنوز شما اگر جاهای مختلف تهران را نگاه کنید، بسیاری از ساختمان‌ها شبیه اُبلیسک ساخته می‌شود، همان است که دشمن و شیطان اصرار دارد شناخته نشود. یعنی معین نشود و پرستیده شود. درست نیست که وقتی انسان با یک حرف جدیدی مواجه شد، بگوید نه، چه‌طور قبلی‌ها نفهمیدند، بزرگ‌ترهای ما نفهمیدند، شما فهمیدید!؟ این جهل است. جهل یعنی این، یعنی فکر نکنید، جهل یعنی نادانی. وقتی می‌گوییم عرب جاهلی، عرب جاهلی می‌گفت کسی آمده در مکه می‌گوید که این بت‌ها را نپرستید! نیاکان ما این بت‌ها را می‌پرستیدند، چطور می‌شود نیاکان ما نفهمیدند بعد این‌ها از راه رسیدند کشف کردند که این بت‌ها این‌گونه است؟ این جهل است.

راز درماندگی
حسن عباسی

اینجا است که مسئلهٔ لا الـهَ الّا الله شعار اصلی اسلام می‌شود. یعنی پیامبر ما با لا الـهَ الّا الله شروع کرد. لا الـهَ یعنی خانهٔ درون کعبه را از مظاهر شرک و کفر پاک کنیم. بعد بگوییم که الّا الله. پس غرب‌شناسی، شیطان‌شناسی و دشمن‌شناسی یک درهم-تنیدگی دارد. یعنی وقتی می‌گوییم لا الـهَ الّا الله. یکی بدون آن دیگری ناقص است. اگر در لا الـهَ بمانیم به الّا الله نمی‌رسیم. اگر صرفاً دنبال الّا الله باشیم و اِدراکی از لا الـهَ نداشته باشیم، کارمان به سرانجام نمی‌رسد. دلیل انحراف عمدهٔ یهود و دلیل تحریف جدی در مسیحیت همین بود که لا الـهَ نداشتند.

اگر از نفی شروع نکنیم، سوء تفاهم و مشکل "این‌همانی" به وجود می‌آید. به عنوان مثال، نظریهٔ تربیتی می‌دهیم، بعد اسم آن را education می‌گذاریم؛ این درست نیست. education معنای خاص خودش را دارد و با سیستمی غیر از دین کار می‌کند. وقتی شما بررسی می‌کنید، می‌بینید که education یک گزارهٔ مدرن است، به نظامی اجتماعی به نام Schooling می‌پردازد، در متن خودش Student می‌پرورانند اما نگاه دین اصلاً در education و امثال این‌ها نیست. دین اساساً educat کردن را قبول ندارد.

بر اساس اصل لااله الا الله، Politics با سیاست یکی نیست، روان‌شناسی با Scicology یکی نیست، economy با اقتصاد یکی نیست. Sociology با جامعه‌شناسی یکی نیست، management با مدیریت یکی نیست. بنابراین، ابتدا باید نفی کنیم و سپس اثباتی حرف بزنیم تا دچار این‌همانی نشویم. این‌همانی یعنی لات و هبل را با الله دانستن و این اول مشکلات است. و به همین دلیل است که ما هنوز نقشهٔ جامع علمی نداریم؛ چون دچار این‌همانی هستیم.

تقریباً عمدهٔ علوم ما، هم در علوم پزشکی و علوم طبیعی و هم در علوم انسانی ما به ازای دینی آن تولید نشده است. حتی اگر شما مدعی زبان و ادبیات هم بشوید، الان در مقطع فوق لیسانس و دکترا کسانی که زبان و ادبیات فارسی می‌خوانند، در گرایش زبان‌شناسی نگاهشان با نگاه هگل یا نگاه نوآم چامسکی جلو می‌رود.

این‌که نظریهٔ جدیدی تولید نمی‌شود به این دلیل است که کسی احساس نمی‌کند که این چیزهایی که در دورهٔ لیسانس و فوق لیسانس و دکتری یاد گرفته اشتباه است. اصلاً به تنها چیزی که فکر نمی‌کند همین است.

اگر نقشهٔ علم خواست ترسیم بشود، ساحت و سرزمین وجود ابتدا تعریف می‌شود، بعد آن نقاط به نام آن شهرها و روستاها داخل آن سرزمین چینش می‌شود. سرزمین وجود غربی‌ها و ساحت وجودشان، اُمانیزم، یا همان اصالت بشر است. شما نمی‌توانید صرف اینکه اسمش را بردارید بگویید مثلاً فلسفه، حکمت است. psychology، روان‌شناسی است یا politics، سیاست است. با همین تعویض اسم، مشکل حل نمی‌شود.

در آن سرزمین، ساحت وجودی برای نقشهٔ علم در نگاه قرآنی، خود قرآن است؛ یعنی خداگرایی نه بشرگرایی؛ تئوئیزم، نه اُمانیزم؛ اصالت خدا، نه اصالت بشر. در سرزمین خداگرایی مفاهیم نمی‌تواند از مفاهیم امانیزم بیاید. برای مثال، مفهوم جنگ نرم است که مقام معظم رهبری به کار بردند و همه فکر کردند منظور همان soft war جوزف نای است و در واقع چهارچوب نظری آن را بر اساس این قرار دادند.

اساساً ما سه نوع جنگ و سه نوع قدرت داریم. قدرت سخت که در جبهه نظامی بیشتر معنا پیدا می‌کند، بستر آن روی زمین است، هدف آن هم تصرف و سیادت است. در قدرت نوع دوم که نیمه سخت است، در مسائل سیاسی و اقتصادی بروز دارد، هدف آن سیاست و تصرف نیست، رقابت و حذف است. اما در نوع سوم یعنی قدرت نرم که در مسائل فرهنگی روانی بروز پیدا می‌کند، هدفش تصرف خود آدم‌ها به صورت آرام آرام است؛ یعنی ذهن و قلب انسان را تصرف می‌کند. جنگ نرم به همین معناست که در ناحیه ذهن، در اعتقادات شک ایجاد می‌کنند و در ناحیه قلب، حب و بغض‌ها را مدیریت می‌کنند.

وقتی قلب انسان با حبّ و بغض و ذهن انسان با شک و یقین نظمش به هم ریخت، تصرّف شده است و از دست رفته است. این اتفاق امروز در صدر اقداماتی است که توسط غربی‌ها می‌افتد. غربی‌ها امروز این کار را با بالاترین توانایی و کیفیت، بخصوص با استفاده از رسانه‌ها دارند انجام می‌دهند.

پس به جای تصرّف سرزمین، به جای با رقابت گرفتن بازار اقتصادی یا بازار سیاسی در قدرت نرم، افراد را می‌گیرند. تفاوت دیدگاه آقای جوزف نای و مقام معظم رهبری را در سورهٔ بقره در آیهٔ «لا اکراه فی الدین قد تبیَّنَ الرُّشدُ مِنَ الغَی» می‌بینیم. نگاه آقای جوزف نای، اغواکردن است. آقای جوزف نای دنبال این است که ما اغوا بشویم. نگاه قرآن ارشاد است.

بنابراین، در قدرت نرم، ما به اختیار باید بپذیریم یک کاری را انجام بدهیم. آن‌جایی که ما اشغال می‌شویم، آن‌جایی که ما در واقع به اختیار یک کاری را انجام می‌دهیم، این اختیار دو وجه دارد. یا اغوا است و غیّ است یا رشد و ارشاد است. مدل آقای جوزف نای در کتاب قدرت نرم، قائم و ناظر به اغوا است. می‌گوید بشریت باید اغوا بشود. به اختیار بپذیرد که کاری را که ما انجام می‌دهیم خوب است.

پس دو حالت داشت. من یک‌بار شما را وادار می‌کنم که کاری را انجام بدهید که من می‌خواهم، سپس اغوا می‌شوید، یک‌بار از شما می‌خواهم که کاری را انجام بدهید که خدا می‌خواهد که آن می‌شود ارشاد شما. مهم نیست دیگر شما آن را انجام می‌دهید یا نه. چون من دیگر ذی‌نفع نیستم و دعوت به خودم نمی‌کنم. این دو نوع اعمال قدرت است. کار این‌هایی که در رسانه‌های غربی کار عملیات روانی را صورت می‌دهند، اساس عملیات روانی و اساس قواعد سینمای هالیوود در همین نکته خلاصه می‌شود. دیگران ما را اغوا کنند.

ما انتظاری از دشمن نداریم، دشمن وظیفه‌اش دشمنی است. باطل وظیفه‌اش این است که آن کار خودش را انجام بدهد. ما گلایه از غرب و باطل نمی‌کنیم. گلایه‌مان از خودمان است در غرب‌شناسی که چرا یک‌باره سند جوزف نای را می‌آوریم ترجمه می-کنیم؛ بدون این‌که حاشیهٔ دینی برآن بزنیم. بعد بگوییم قدرت نرم همین است. اصل این‌همانی، به‌خاطر اجرا نشدن اصل لااله؛ ما از این گلایه داریم.

امام هم که انقلاب کرد، با نفی آغاز کرد. دههٔ اول انقلاب، دههٔ نفی بود. نه شرقی نه غربی؛ جمهوری اسلامی. ما دو تفکر را نفی کردیم نه صرفاً شوروی و آمریکا را. غرب‌شناسی امام خیلی عمیق است. آن روز هرکس به شوروی گرایش داشت، از آمریکا می‌برید و هرکس به دامن آمریکا در می‌غلطید، با شوروی کمونیست و مارکسیست و سوسیالیست مشکل داشت.

از سال ۵۷ تا ۶۷ پارادایم ما پارادایم نفی بود. نه شرقی نه غربی؛ نه لیبرالیزم نه مارکسیسم و سوسیالیزم. اساساً این دو، دو ایدئولوژی کوچک در پارادایم اُمانیزم هستند؛ چون هر دوی آن‌ها اصالت را به بشر می‌دهند. دههٔ دوم انقلاب که شروع شد، قراربود آن شقّ سوم را ما مشخص کنیم، گفته بودیم نه شرقی نه غربی، شقّ سوم این‌که مشخص کنیم جمهوری اسلامی. اقتصاد، فرهنگ، سیاست و نرم افزارهای این جمهوری اسلامی چیست؟

دو دسته بحث در ایران به نام سنت یا مدرنیزم شروع شد. هنوز هم این بحث وجود دارد. از ۶۸ تا ۷۸ حجیم‌ترین بخش حوزه-های فکری در کشور ما این بحث‌ها بود. سنت، مدرنیزم؛ سنت، تجدّد. این دهه، دههٔ حیرت است. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ دههٔ سوم انقلاب، یعنی دههٔ تفکیک بود. یعنی بعد از این‌که مشخص شد ما نه شرقی نه غربی هستیم بعد و سنت و مدرنیزم برای ما پاسخ‌گو نیست، یک گروهی به دنبال این حرکت کردند که اصالت برای بشر است، پس بشر حق دارد؛ حقوق بشر.

وقتی این انسان‌گراها که اصالت را به انسان می‌دادند جبهه‌هاشان روشن شد، خداگراها و تئوئیست‌ها هم روبروی این‌ها جبهه-شان روشن شد. از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ یک دورهٔ ده ساله زد و خورد فکری در ایران تضارب آرا به وجود آمد و دو جبهه کامل شد. جبهه خداگراها و جبهه بشرگراها. این دو پارادایم کامل روبروی همدیگر است.

از سال ۱۳۸۸ به بعد که اکنون در این دهه قرار داریم، دههٔ پارادایم تشخیص است. یعنی مشخص کردن مقصد. مقصد نور یا ظلمات؟ تشخیص ولی. ولی الله یا طاغوت؟

غرب‌شناسی نوعی خودشناسی است چون ذهن‌ها و قلب‌های ما به دست دشمن فتح شده است و ما باید با شناخت غرب، خود را نجات دهیم. برای این‌که در غرب شناسی موفق باشید راهش شک است؛ به آن‌چه به شما گفته می‌شود شک کنید. در مورد گذشتگان با احترامی که دارند، بدون هیچ ابائی نقد کنید.

منبع: موسسه فرهنگی سدید

دانشی با حاشیه رفت

به گزارش «توسن»، مراسم تودیع و معارفه مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان صبح روز گذشته در حالی در سالن اشراق اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان برگزار شد که دارای حواشی فراوانی بود؛ به صورتی که صدای انتقاد میهمانان جلسه را نیز در آورد.

حواشی این جلسه به حدی بود که صدای انتقاد آیت‌الله سلیمانی را نیز در آورد به گونه‌ای که ایشان با کنایه به مدیرکل سابق گفتند: برجستگی روی سن باعث افتادن بسیاری شد که امید است این برجستگی در راه مدیر جدید دیگر وجود نداشته باشد.

اما شاید بی‌سلیقگی و رعایت نکردن عدالت فرهنگی ازسوی مسئولان برگزاری مراسم تودیع و معارفه و به کار بردن تنها آثار و صنایع دستی منطقه بلوچستان، مهمترین دلیل برای انتقاد شدید نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان شد.

وی تاکید کرد: اجرای برنامه های فرهنگی با توجه به بافت قومی و مذهبی سیستان و بلوچستان باید با نگاه برابر به دو قطب قومیتی و مذهبی این دیار انجام شود تا تداعی کننده عدالت فرهنگی باشد.

نماینده ولی فقیه در استان سیستان و بلوچستان گفت: تزئین سن با دو سفال کلپورگان و بلوچی دوزی به خوبی نشان از بی برنامگی است چرا که هیچ اثری از صنایع دستی سیستان در این سن دیده نمی شود، ما باید نگاهمان برابر باشد.

گفتنی است در این مراسم حجت‌الاسلام دانشی مدیرکل سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان با برشمردن برخی اقدامات سازمان در زمان مدیریت خویش تلاش نمود فعالیت خود را بازگو نماید تا شاید همانگونه که در این جلسه گفت جلوی انتقادات پس از تودیعش را بگیرد.

وی در این جلسه پس از بازگو کردن تیتروار اقدامات خویش تقاضا نمود که پس از جابه‌جایی‌اش، مسئولان، انتقادی نسبت به دوران وی بازگو نکنند که این مسئله در زمان تودیع و معارفه وی پس از مشاهده حواشی فراوان صورت گرفت.

منبع: مطالبه‌گر

وضعیت نامناسب جاده های روستایی در سیستان

به گزارش «توسن»، بسیاری از همشهریان و رانندگان خودروهای سبک و سنگین از تردد در مسیرهای ارتباطی شهرستانهای سیستان گلایه مند هستند و وضعیت راه های ارتباطی این منطقه را نامطلوب و غیر استاندارد می دانند.

در بسیاری از محورهای مواصلاتی سیستان که منتهی به روستاهای این منطقه می شود ،وضعیت جاده ها نامطلوب و حتی در برخی از مسیرها بویژه راههای ارتباطی روستاهای سیستان فاقد جاده های مناسب است و همه روزه گلایه های فراوانی از سوی شهروندان و بالاخص رانندگانی که هر روزه در این مسیرها تردد می کنند ،شنیده می شود.

همچنین برغم حادثه خیز و پرترافیک بودن محور زابل به هیرمند اما عملیات اجرایی پروژه دو بانده شدن این محور ارتباطی در شوک تعطیلی به سر می برد .این جاده در فصل بازگشایی مدارس با تردد بسیار زیادی روبرو است که همه ساله شاهد تصادفات ناگواری در این مسیر هستیم.

جاده های فرعی زیادی در روستاهای سیستان وجود دارد که استانداردهای اولیه یک جاده مناسب برای تردد خودروها و کامیونها را ندارد و همیشه شاهد مشکلاتی برای شهروندان و بویژه روستانشینان و کامیون داران بودیم،تا آن زمان که مرز از قسمت منطقه سیستان باز بود ،جاده دوست محمد به زابل بیشترین آمار تصادفات و مرگ و میر در این جاده اتفاق می افتاد.

علی عالی رئیس اداره راه و شهرسازی شهرستان زابل با بیان اینکه قرارداد پیمانکاری این جاده بسته شده و بودجه و اعتباری برای تسریع در روند این بزرگراه تخصیص داده شده است،گفت: با اجرای طرح دو بانده شدن جاده هیرمند به زاهدان دیگر شاهد چنین حوادثی در این محور نباشیم.

رئیس اداره راه و شهرسازی زابل با اشاره به شروع تعمیرات در جاده زابل به بنجار گفت: بدلیل عملیات راهسازی و تعمیرات، تردد خودروها در این محور به مدت ۲ ماه با محدودیت ترافیکی همراه خواهد بود.

عالی تصریح کرد: شهروندان توجه داشته باشند تا هنگام تردد از این محور نکات ایمنی را رعایت کنند تا هیچگونه حادثه ای برای رانندگان در این محور روی ندهد.

وی همچنین با اشاره به پر ترددترین محور مواصلاتی زابل به سه راهی دشتک در طی دو ماه گذشته گفت: در تیرماه امسال و با آغاز فصل تابستان این محور مواصلاتی در حوزه سیستان شاهد ترافیک سنگینی بوده که و یکی از پر ترددترین محورهای مواصلاتی در استان سیستان و بلوچستان شناخته شده است.

منبع: اوشیدا

زندگی عشایری، فرصتی مغتنم برای رونق صنعت گردشگری سیستان وبلوچستان

سرزمینی بزرگ و پهناور که دارای تمدنی اصیل و دیرینه است و به دلیل موقعیت خاص و اقوام گوناگون و اقلیم آب و هوایی گوناگون، دارای جاذبه های تاریخی، فرهنگی، طبیعی بسیاری می باشد.

در این میان استان سیستان و بلوچستان دومین استان کشور از نظر مساحت است که به دلیل موقعیت سوق الجیشی و آب و هوایی ویژه خود با توجه به فرهنگ و تمدن دارای قدمتش یکی از مناطقی است که پذیرای زندگی عشایر نشینی است.

نوای دلنشین زندگی عشایر کانون آرامش و آسایش است

در دامنه کوههای سرسبز و دشت های پهناور تفتان در شهرستان خاش ،مراتع حاشیه دریاچه هامون در شهرستان هامون ،منطقه فضل الهی در شهرستان قصرقند و گرگان در شهرستان نیک شهر ، زندگی کوچ نشینان عشایر با طبیعت یکی شده است. طبیعتی که آدمی را به اوج آسایش و آرامش دعوت می کند دیدن چادرهای سفید و مشکی که در دوردست ترین نقطه ها علم شده و تماشای زنان و مردانی که در آنها اتراق کرده ومشغول کارو تلاش وزندگی هستند، صدای گوسفندان و بزغاله های ایل که توسط نوای زنگوله ها و صدای خلخال پای زنان عشایر به گوش می رسد همچون موسیقی دلنشینی به دل و جان بینندگان نفوذ پیدا می کند. این آرامش آنها گویای زندگی بی دغدغه آنان به نظر می رسد اما طبیعت همیشه هم با آسودگی همراه نیست سرتاسر زندگی مردم عشایر یک دنیای هیجان، انگیز و درعین حال پرمشقت است و گهگاهی هم پیش می آید که طبیعت با طوفان، سیل، آتش سوزی و خشکسالی اسباب نارضایتی این قوم را فراهم می کند.

هر چندکه پیشرفت های مدرن و تکنولوژی امروز از بکر بودن زندگی عشایری کاسته و آن را تحت تاثیر قرار داده است، اما همچنان کوچ نشینان همچنان بسیاری از سنتها و ارزش های اصیل این مرز و بوم را حفظ کرده اند و زندگی عشایری با تمام خاطرات تلخ و شیرینش هنوز هم در گوشه و کنار این منطقه در جریان است و این دیدنیهای لذت بخش از زندگی عشایر می تواند جذابیت های بسیاری برای گردشگران داخلی و خارجی در استان فراهم آورد و به صنعت توریسم کشور نیز کمک کند.

جاذبه های ماندگار دیروز، انتقال دهنده فرهنگ و تاریخ امروز

سیاه چادرهای علم شده عشایر و نوع زندگی آن ها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های به جای آوردن جشن های عروسی و محلی از مهم ترین جاذبه های ماندگار ازگذشته تا به امروز در میان این قشر از جامعه است که می توان گفت عشایر در جای جای این کشور پهناور از غرب گرفته تا شرق یکی از جاذبه های مهم گردشگری فرهنگی محسوب می شوند.

در حوزه جنوب شرق ایران مهمترین طیف عشایر و ایلات را عشایر بلوچ، افشار، جبال بارزی، سلیمانی، قرایی، آسیابر، خواجویی، برخوری، پشتکوهی، جازی، جاویدان، رائینی، مابکی، شکاری، شنبو، غربا، کامرانی، کمچی، کماچی سنجری، کوهشاهی، نرمی، ممنی، مهینی و ... هستند که عمدتا در استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان استقرار دارند.

در سیستان وبلوچستان مجموع شگفتی های طبیعی که عشایر را به سمت خود جذب کرده است در ۴ حوزه یادشده ییلاقی (دره های کوه تفتان و منطقه بردسیر و لاله زار و بارز با آب و هوای لطیف و چشمه های گوارا)معتدل(بااختلاف شدید درجه حرارت در روز و شب) گرمسیری (با هوای خفقان آور و گرمای شدید در شبانه روز) ساحلی (با هوای گرم و مرطوب) تقسیم شده است.

به گونه ای که در بین گروه عشایرنشین کشور، بلوچ ها در مبارزه با طبیعت و اقلیم سخت و در اثر محدودیت منابع و فقر طبیعت، خصوصیاتی ویژه دارند که آنان را از عشایر مناطق دیگر متمایز می سازد.

در این مرز و بوم بیشترین انگیزه کوچ عشایری ها دستیابی به مرتع و علوفه در فصول مختلف و استفاده از منابع طبیعی خدادادی همچنین جمع آوری محصولات زراعی ، باغات ، خرما و... است.

زندگی عشایری، فرصتی برای رونق جذب گردشگر

از آنجایی که در دنیای امروز صنعت توریسم، گردشگری و طبیعت گردی به عنوان یکی از مهمترین زیر بخش های خدمات از اهمیت زیادی برخوردار است، سیستان وبلوچستان نیز به سبب وجود شرایط متنوع آب و هوایی، تاریخ کهن، آثار متعدد باستانی، چشم اندازهای جغرافیایی و ... از موقعیت ویژه ای برای جذب توریسم و گردشگر برخوردار است و بسیاری از گردشگران مشتاق دیدار و آشنایی با زندگی عشایری در این منطقه هستند.

در این استان پهناور زندگی عشایری علی رغم سختی های زیادی که برای آنان به ویژه در دوران خشکسالی در پی دارد، فرصتی برای رونق گردشگری و جذب جهانگرد است از طرفی فرصتی برای معرفی آداب و رسوم و فرهنگ اصیل مردم منطقه و هم فرصتی برای عشایری است که محصولات تولیدی به ویژه صنایع دستی و مواد لبنی خود را به صورت مستقیم و بدون واسطه به مسافران و گردشگران عرضه می کنند.

معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان در گفت و گو با خبرنگار زاهدانه با بیان این مطلب که آداب و رسوم زندگی عشایری یکی از ظرفیت های بالقوه صنعت گردشگری در استان است، اظهار داشت: پیشرفت و توسعه در این صنعت می تواند مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی قرار گیرد و این مهم در شناسایی بهتر از استان هم کمک شایانی خواهد کرد.

سیاه چادرهای عشایر، کانون توجه توریست های خارجی است

مجتبی میرحسینی با اشاره به پتانسیل‌های زندگی عشایری در استان افزود: سیاه چادرهای عشایر یکی از کانون‌های مورد توجه توریست‌ها به ویژه گردشگران خارجی است.

وی گفت: در این زمینه در حال تعامل با عشایر استان هستیم تا برنامه ای برای سازو کار بهتر برای تقویت زندگی عشایر اندیشیده شود تا به این شیوه بتوانیم گردشگران داخلی و خارجی را جذب کرده و در صنعت گردشگری شاهد رونق بیشتری باشیم.

این مسئول با بیان اینکه یکی از اهداف مورد توجه در زمینه زندگی عشایری ایجاد کردن بستری مناسب برای اقامت گردشگران است، ادامه داد: تامین امنیت افراد از دیگر برنامه هایی است که با همکاری نیروی انتظامی و سپاه پاسداران در دستور کار قرار دارد تا بتوانیم در هفته گردشگری تورهایی را برای بازدید از زندگی عشایر در استان راه اندازی کنیم تا اجرای این قبیل اهداف مسبب جذب گردشگر در استان شود.

حمایت از سرمایه گذاران بخش خصوصی

میرحسینی تصریح کرد: افرادی که در این حوزه ایده و فکر خلاقی دارند می‌توانند با نمایش زندگی عشایری و برپا کردن سیاه چادرهای اقامتی در کنار سیاه چادرهای زندگی خود از این پتانسیل به خوبی بهره ببرند و در اکثر حوزه های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی وگردشگری بعنوان فعالین بخش خصوصی می توانند فعالیت خود را داشته باشند.

معاون گردشگری استان ادامه داد: مسئولین محلی، عشایر و جوانان آنان در این زمینه نقش اصلی را دارند و این اداره کل نیز تنها نقش هدایت کننده را برعهده دارد.

وی در ادامه افزود: در خواست این سازمان از فعالان بخش خصوصی و جمعیت جوانان میراث فرهنگی این است که در زمینه سمن های بخش خصوصی و سازمان های مردم نهاد وارد شوند و با در دست گرفتن برخی از بخش های اجرایی علاوه بر اینکه برای آنها فواید مالی و اقتصادی را در پی دارد، در زمینه معرفی استان هم گام های موثری بر دارند که در این زمینه نیز میراث فرهنگی هماهنگی های لازم را انجام خواهد داد.

این مسئول در مورد نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه گردشگری عشایری اظهار کرد: با امور عشایر استان نیز رایزنی هایی در این خصوص صورت گرفته است تا از این پتانسیل به نحو موثری استفاده شود.

وی تشکیل سمن‌های توسعه گردشگری عشایر از بین این جامعه را بسیار کارساز دانست و بیان کرد: ساماندهی سیاه‌چادرهای گردشگری در استان برای جذب گردشگر را باید به صورت ویژه در دستور کار قرار داد.

وی در تکمیل مطالب بالا اظهار داشت: در استان چهار منطقه که شرایط ایده آل تری داشته اند را انتخاب کرده ایم که این مناطق در برگیرنده مناطق بکر تفتان در شهرستان خاش در فصل قشلاق، مراتع حاشیه دریاچه هامون در شهرستان هامون در فصل ییلاق، منطقه فضل الهی در شهرستان قصرقند و گرگان در شهرستان نیک شهر است.

میرحسینی گفت: دراین مناطق استعدادهایی نهفته است که هم در توسعه اقامت گاههای عشایری و هم بوم گردی عشایری موثر است و این امر بهبود در وضعیت معیشت جوامع محلی را در پی خواهد داشت.

معاون گردشگری اداره کل میراث در پایان خاطر نشان کرد: اسکان گردشگران در سیاه‌چادرهای عشایر در دنیای گردشگری امروز از اهمیت واولویت های ویژه ای برخوردار است و در صورتی که هر فرد یا تشکل بخش خصوصی در سیستان و بلوچستان بخواهد در این امر ایفای نقش کند و این موضوع را پیگیری کند هرگونه مساعدتی که در راستای وظایف این اداره کل باشد برای آنها انجام خواهیم داد.

منبع: زاهدانه

از توهم و خرافات تا درآمد چندصد میلیونی رمال پاکستانی در سراوان

ابه گزارش «توسن»، ستارت کار از زمانی شروع شد که با کارت ویزیت رمال پاکستانی مواجه شدم. برایم جالب بود که در این دنیا مردم از شدت پریشانی و نابسامانی فکری به افسانه ها و خرافات روی می اورند و در پی گریز از ناامیدی در جستجوی دارویی شفابخش هستند تا شاید به آرامش و اطمینان دست پیدا کنند.

قرار ملاقات با این رمال پاکستانی به ساده ترین شکل ممکن و با یک تماس انجام می گیرد و من بی صبرانه مشتاق دیدن این رمال بودم.

در پی ادرس به کوچه ای رسیدم خانه رمال کاملا متفاوت تر از خانه های دیگر بود زنگ را که می خواهم بزنم نظرم به دوربین بالای خانه جلب می شود و با خود می گویم عجب امنیتی برای خود فراهم کرده است.

وارد اتاق کوچکی در گوشه حیات که نزدیک درب ورودی بود شدم انگار اتاق کار رمال پاکستانی هم اینجا بود. در و دیوار اتاق با تزئینات خاص آراسته شده بود اما در میان این همه شلوغی نگاهم می افتد به تابلویی که اسامی متبرکه الله در آن نقش بسته بود و کتاب هایی که روی هم در یک طاقچه با جلدها و نقوش پاکستانی انباشته شده بود و با خود می گویم شاید این همان کتاب های نجات بخش هستند.

فالگیر مردی با اندام متوسط که به نظر می رسید تازه به مرز ۴۵ سالگی رسیده است بود.

به من نگاهی کرد و این وضعیت با سکوتی چندلحظه ای طول کشید و گفت: صبر کن تا برایت کتاب باز کنم و زندگیت را ببینم گفت افرادی هستند که نمی خواهند من در زندگیم موفق شوم و راه پیشرفت مرا بسته اند و دشمن من هستند گفت کاری کرده اند که زود عصبانی می شوم و چقدر افکارم درهم شده است.

از هزینه های رمالی اش پرسیدم اخر شنیده بودم هزینه ویزیت هایش میلیونی است. می گوید بستگی به شرایط و مشکلت دارد. مشکلاتت که بیشتر باشد هزینه من نیز بیشتر می شود.

رمال از مراجعه کنندگانش از شهرستان های مجاور می گوید انگار اوازه اش بر سر زبانها افتاده به طوریکه مردم شهرستان های دیگر نیز مشتاق شده اند تیری در تاریکی انداخته شاید مشکلشان در سراوان حل شود.

برایم جالب است سراوان با این همه مشکل محرومیت مامن امید زندگی برای افرادی باشد که در بهترین شرایط زندگی می کنند ولی شاید این زندگی های مرفه باعث شده تاب کوچکترین مشکل را نداشته باشند و به فکر راه غیر عقلانی بیفتند.

از گرانی هزینه های ویزیتش پرسیدم می گوید کار من با دیگر رمال ها فرق دارد من برای هر فرد باید ارواح و جن ها را ظاهر کنم، یک گوسفند قربانی کنم . برای هر کاری مقداری زعفران، عود، مشک و عنبر تهیه کنم که این برایم هزینه آور است.

شاید این رمال ها به خوبی احساس کرده اند این شهر منبع در امد خوبی برای ان هاست چون با یک نگاه ساده به مردم این شهر و گردن بندهای دعایی که برخی از مردم به گردن دارند تا از اجنه به دور باشند می توان فهمید چقدر به این خرافات اعتقاد دارند و چه خوب این مسئله را فهمیده اند.

در این اتاق علاوه بر رمال شاگردانی نیز پرورش یافته بودند که کارشان نوشتن تعویض و دعا بود. اسم فرد و مادرش را می پرسیدند . بر روی کاغذی یادداشت می کردند و با این کار پرونده تعویض آن شخص و گرفتن هزینه ها شروع می شد.

رمال که من را غرق در افکارم دید پس گفت که نگران مشکلاتم نباشم چرا که همیشه راهی برای گریز از مشکل است و می تواند پریشانیم را حل کند و آن وقت مبلغ ناقابل یک میلیونی را از من طلب کرد.

از نحوه پرداخت کردن هزینه ها پرسیدم می گوید پول را برایم کارت به کارت کنید و بعد از دریافت پیامک مبلغ واریزی، من کار خود را شروع می کنم و چقدر این رمال ها هم با تکنولوژی روزپیش رفته اند.

با خود در این اندیشه بودم که اگر روزانه این فرد فقط ۵ مراجعه کننده داشته باشد در ماه به راحتی ۳۰ میلیون تومان به جیب مبارکش سرازیر می شود.

در هنگام خروج از خانه نظرم به قفل در خانه جلب شد که متفاوت تر از قفل های دیگربا نقوشی خاص برجسته سازی شده بودجلب شد رمال می گفت کار این قفل این است که دیگر کسی نمی تواند بدون اجازه وارد حریم این خانه شود. انگار چندوقت پیش ماموران به خانه اش رفته بودند و کتاب های دعایش را توقیف کرده بودند.

در این باره با کارشناس علوم قرآنی حوزه علمیه زینبیه(س) به بحث و گفتگویی کوتاه نشستیم.

افسانه محمد گلی در گفتگو با خبرنگار شستون گفت: اسلام زاییده علم خداوندی است و علم خداوندی بر همه چیز احاطه دارد بنابراین ما معتقدیم که اسلام باید پاسخگو ی همه نیازهای بشر حتی در مورد پدیده های نوظهور باشد.

وی گفت: اسلام دو جنبه دارد و شامل قوانین ثابت و متغیر می شود. اسلام خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت را برای انسان ها ضمانت می کند پس هر انچه در اسلام حرام شده، زیان فراوانی دارد که اسلام آن را حرام شمرده و به همین جهت انجام آن را نهی کرده است.

این کارشناس علوم قرانی در ادامه به چرایی حرام بودن سحر و جادو اشاره کرد و افزود: یعضی افراد سطحی نگر طوری به سحر و جادو نگاه می کنند که گویا سحر حلال خیلی از مشکلات است چرا که سحر به اموری اطلاق می شود که منشا دقیقی دارد و مبنای آن بر خدعه است و بینندگان را به وهم و خیال وا می دارد.

وی بیان کرد: همه ما در معرض امتحان الهی هستیم و لذا در معرض مشکلاتی قرار می گیریم تا معلوم شود در مشکلات و معصیت ها به کجا رجوع می کنیم و پس از مدتی مشکلات می روند در این جاست که اگر به غیر خدا رجوع کرده باشیم درامتحان الهی روسیاه می شویم.

و آن عده ای که در مشکلات به فالگیر پناه می برند و به ظاهر هم کارشان درست می شود غافل از این هستند که علت رفع مشکل آنها به آن خاطر بوده که مدت امتحانشان به سر آمده اما با رجوع به فالگیر و جادوگر در رویارویی با ان مشکلات رو سیاه شدند.

منبع:شستون

ادامه

فروش فحشا در پیاده روهای زاهدان

به گزارش «توسن»، اگر تاکنون گذرتان به چهارراه رسولی در زاهدان خورده باشد حتما به افرادی برخورد کرده اید که انواع سی دی ها از بازی و فیلم گرفته تا سی دی های غیر اخلاقی و فحشا را در دست گرفته و با اصرار زیاد سعی دارند شما را مجاب به خرید از آن ها کنند. متاسفانه این روزها این معضل که نوعی مشکل فرهنگی به حساب می آید به وفور در این مکان که یکی از مراکز تجاری خرید مهم در این شهر است به چشم می خورد.

تهاجم فرهنگی حربه‌ای است که دشمنان با استفاده از آن در دراز مدت به طور نامحسوس، سعی در تغییر فرهنگ، اعتقاد و باورهای مردم دارند. این نوع تهاجم اثری ماندگار و بسیار خطرناک در یک جامعه خواهد گذاشت به گونه‌ای که تغییر و بازگشت به حالت قبل بسیار مشکل و گاه غیر ممکن خواهد بود.

امروزه عرضه محصولات غیر فرهنگی جهت گمراهی مردم الخصوص جوانان یکی از اهداف دشمنان است که نمونه بارز آن افزایش روز به روز شبکه های ماهواره ای مستهجن می باشد. هم اکنون نیز با گذشت سالها از جنگ علیه ایران وقتی دشمنان توان مقابله نظامی را برای ایستادگی در مقابل این ملت در خود ضعیف دیدند متوسل به جنگ نرم شده و دست به توطئه های جدید رسانه ای زدند تا افکار مردم را درگیر کنند و آنها را از مسیر و اهداف اصلی خود در کشورشان دور کرده تا از این طریق به اهداف شوم خود دست یابند.

دشمن قصد دارد با دست گذاشتن بر روی اعتقادات، افکار و باورهای مردم و تضعیف کردن ذهن های آنها به اهداف شوم خود که سلطه گری در این منطقه است دست پیدا کند زیرا می داند که با نفوذ در فرهنگ و تغییر باورها به راحتی می‌تواند به اهداف سازمان یافته و برنامه ریزی شده خود نزدیک تر شود.

اثرات مخربی که تماشای اینگونه رسانه ها در جامعه برجای می گذارد در اکثر مواقع منجر به فروپاشی کانون گرم خانواده ها شده که این مهم یکی از اهداف مهم دشمنان است از طرفی گمراهی جوانان و نوجوانان و تغییر باورهای آنان یکی دیگر از اهداف توطئه گران می باشد. در این میان اگرچه مسئولین انتظامی استان تلاش بسیاری در جهت مبارزه با قاچاقچیان سی دی‌های بدون مجوز به کار برده‌اند و هرازگاهی شاهد هستیم مکان‌های تکثیر این نوع محصولات تخریب و معدوم شده است. اما با این حال باز هم در شهر شاهد بساط سی دی فروشان در انظار عمومی هستیم و فروشندگان به راحتی و بدون هیچ ترسی اقدام به تبلیغ و فروش سی دی‌های غیر مجاز می‌کنند و کمتر کسی است برای خرید به چهارراه رسولی زاهدان برود و به این افراد برخورد نکند، افراد سمجی که دست از تبلیغ و فروش این سی دی ها برنداشته و گاها تا نیمه های راه باعث مزاحمت برای شهروندان هم می شوند.

شاید بتوان گفت یکی از دلایل روی آوردن بعضی از جوانان به این سمت و سو کمبود مکان های تفریحی در زاهدان است که باعث شده آنها برای سرگرمی و خالی بودن زمان اوقات فراغت خود دست به خرید و تماشای اینگونه فیلم هایی بزنند که متاسفانه هر روز شاهد تکثیر و فروش این قبیل ابزارهای فساد و فحشا در سطح شهر هستیم، و جای بسی تامل دارد که هرچه قبح خرید و فروش این محصولات بیشتر از بین برود توزیع، خرید و فروش آن نیز بیشتر خواهد شد. سی دی هایی که با کمترین قیمت از ۲هزارتومان تا ۳هزار تومان به راحتی خرید و فروش می شود و هدفشان سست کردن بنیان خانواده در جامعه ایرانی و اسلامی است. گاها برخی از این فیلم های مستهجن در لا به لای سایر فیلم های مجاز از سوی برخی دست فروشان نیز توزیع می شود که این خود معضل دیگری در هنگام خرید سی دی است.

اما در پایان باید گفت تا زمانی که چهارراه رسولی زاهدان یا هر مکانی که عرضه این گونه سی دی های غیر مجاز در آن به راحتی بین افراد تبادل می شود، تعداد افراد سودجو هم به منظور کسب در آمد و ایجاد فحشا در آن روز به روز زیاد تر خواهد شد.

در این زمینه بهتر است هر چه سریعتر مسئولین فرهنگی وارد میدان شوند و از ترویج روز افزون این افراد برای گمراهی جوانان جلوگیری کنند چرا که خرید و فروش اینگونه محصولات امروز بدون هیچ ترس و لرزی در اماکن عمومی همچون چهارراه رسولی در حال انجام شدن است و این امر منجر به نگرانی خانواده ها شده است.

منبع: زاهدانه